

پروتر هلی جهان، متحد شود!

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

۱۹ اسفند، آغاز ۲۸ مین سالگرد تصویب قانون ملی شدن نفت بود. مردم ایران خاطره این روز بزرگ را گرامی می‌دارند و پیوسته به طرد تسلط امپریالیسم بر نفت ایران می‌اندیشند. لیکن رژیم شاه همچنان تلاشهای مذبوحانه‌ای را دنبال می‌کند که هدف آن تثبیت مواضع کارتل در نفت ایران و ادامه عمر قراردادهای امتیازی است. مذاکرات کنونی نمایندگان کسرسیوم و دولت ایران، که هدف آن تجدید نظر در قرارداد فروش نفت و یا حتی انعقاد قرارداد جدیدی

کارگران ایران، در مبارزات سیاسی و صنفی پیشگام باشید!

(اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه)

کارگران و زحمتکشان ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، جشن بزرگ و پرست اول ماه مه، روز همبستگی و نمایش پرشکوه نیروی کارگران و زحمتکشان جهان را، که اسمال نودمین سالگشت خود را برگزار می‌کند، بشما اوصمیم قلب شادباش می‌گوید. کارگران و زحمتکشان جهان اسامال این جشن را در شرایطی برپا می‌دارند که کشورهای سوسیالیستی در جبهه کار و صلح و ساختن جامعه نو به دستاوردهای بزرگ و گوناگونی نائل آمده‌اند، در حالیکه در کشورهای سرمایه‌داری تضاد بین کار و سرمایه، تضاد درونی بین امپریالیستهای جهانوارپرس بدست آوردن سود بیشتر تشدید می‌شود و اقتصاد سرمایه‌داری با مشکلات گوناگونی دست‌گیر است. انحصار پیروزمند کارگران زغال‌سنگ در امریکا، انحصار وسیع کارگران صنایع چاپ و صنایع فولاد در آلمان فدرال، انحصارات چند ملیون نقری زحمتکشان در فرانسه و ایتالیا در سال گذشته دامنه و شدت بیسابقه مبارزات سندیکایی را علیه انحصارهای آزمتد امپریالیستی نشان داد. ما در عین حال در جهان سوم شاهد گسترش مبارزات خلقها در راه استقلال واقعی و ترقی اجتماعی هستیم. کامیابی درخشان خلقهای افریقایر آنگولا، در موزامبیک، در حبشه که بابایی و پشتیبانی همه جانبه کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم اسارتگر بدست آمده، نمودارهایی از پیشرفت روزافزون نبرد خلقهای جهان سوم، برای رهایی از چنگ اسارتگران و غارتگران امپریالیستی است.

در مین ما ایران وضع اقتصادی و اجتماعی کارگران و زحمتکشان و تشرهای مختلف خلقهای کشور، در سال گذشته بازم دشوارتر شد. رژیم استبدادی شاه که از مقاصد امپریالیسم، پروژه امپریالیسم امریکا پیروی می‌کند، با هزینه‌های غیر لازم نظامی و غیره‌های کلان تسلیحاتی را که سنگین بود، بازم سنگین‌تر کرده است. بدستور شاه مبالغ هنگفتی از درآمد نفت این بهترین ثروت ملی سرزمین ما و هم چنین منابع مادی و نیروی انسانی ایران به امر تسلیحات و اجرای تهمذات نظامی در قبال امپریالیستها، اختصاص یافت. این جریان و همچنین باصطلاح تنگناهایی که در اثر برنامه ریزی‌های غلط و منهد ملی و خرابکاریهای غارتگران داخلی و خارجی بوجود آمد، تولید را در کشور مافاج کرد که یکی از نمونه‌های آن در سال گذشته نبودن انرژی کافی برق بود. همچنین تکیه رژیم به وارد کردن کالاهای مصری از خارج چنان آسیمی به تولید داخلی وارد نموده، که مجموع تولید صنعتی تاجهیل در صد کاهش یافت.

همه این هرج و مرج ها، وضع کارگران را دشوارتر کرد و مبارکای اجباری در مؤسسات تولیدی باعث شد که محیاردها ربال از دستمزد کارگران کاسته شود. در عین حال تورم شتابان درصد بالا رفت و این خود قدرت خرید دستمزد ناچیز کارگران و زحمتکشان را بازم پائین آورد.

رژیم استبدادی شاه می‌خواهد ضررهای ناشی از سیاست ضد ملی و ضد خلقی خود را به حساب طبقه کارگر و تشدید استعمار از این طبقه جبران کند! شاه و دیگر سردمداران رژیم در ضرورت بالا بردن بهره‌وری کارایی تشدید استعمار دم می‌زنند. رژیم با توسل به «آئین نامه انضباطی» و «شناسنامه کار» برای کارگران صنعتی و تجدید نظر در قوانین و آئین نامه‌های کارگری می‌کوشد طبقه کارگر ایران را بیش از پیش در زیر منگنه قرار دهد. کارگران ایران در سال گذشته نیز مانند سالهای پیش به فشار رژیم و کارفرمایان با تشدید مبارزات اعتصابی پاسخ دادند. اعتصابات کارگران در

برمینی آن اعلام شده، شبانه دیگری از این تلاش است.

هدف عمده کودتای امپریالیستی - ارتجاعی ۲۸ مرداد احیاء مواضع امپریالیسم و تأمین تسلط کارتل بین المللی بر نفت ایران بود. این نظر با اعتقاد قرارداد کسرسیوم در هفتم آبان ۱۳۳۳ تأمین گردید. طبق این قرارداد همان منفعه امتیاز ۱۹۳۳ برای مدت ۴۰ سال به غارت انحصارات عمده نفتی امریکائی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی در آمد. قرارداد کسرسیوم نه فقط

شاه وعده آزادی میدهد!

مبارزه مردم ایران در راه پایان دادن به محیط اختناق در کشور با پرحله تازه‌ای نهاده است. کار دستخواه رسیده و مردم دیگر حاضر نیستند در محیط خفقان سیاسی و فرمانروائی مطلق ساواکهای درنده زندگی کنند. ناراضی از وضع موجود ابعاد کسترده‌ای بخود گرفته و طبقات و تشرهای مختلف مردم بخصوص جوانان را که از آینده خود در تنگنای رعب و وحشت نگرانند بایستادگی در برابر استبداد سلطنتی برانگیخته است.

گردانندگان رژیم برای پیشگیری از یک انفجار انقلابی دام مکر نهاده و سر حقه باز کرده‌اند و مردم وعده آزادی می‌دهند. روزنامه «رستاخیز» سخنگوی حزب دفاگیر، که وجود انحصاری آن مظهر سلب آزادی عقیده از مردم است، دامنه عوام قریبی را چنان گسترده است که کوئی چیزی نخواهد گذشت که ایران به بهشت دموکراسی در روی زمین تبدیل خواهد شد. شاه نیز که تنها شیندن کلمه آزادی موی بر اندامش راست می‌کند، در این اواخر هوداداره آزادی شده میگوید تصمیم گرفته است علیرغم اقدامات «دستی خائن یا قریب بخوده»، ب مردم آزادیهای فردی بدهد. خود این گفته دلیل و احترامی بر آنست که آزادیهای فردی در ایران وجود ندارد زیرا چیزی که هست بامان مجدد آن نیازی نیست. آزادی را شاه و ساواکهایش از مردم گرفته‌اند و آنرا هرگز بعیل خود پس نمی‌دهند. هیچ دستمگری به ستمدیده آزادی نمی‌دهد. تاریخ هزار بار این امر را ثابت کرده است. شاه میگوید در چارچوب سه اصل رستاخیز که «نظام شاعتشاهی» مهمترین اصل آنست ب مردم آزادیهای فردی خواهد داد و آنکس که از این چارچوب یا بیرون نهد بمرز خیانت یا گذراده است. آزادی که او ب مردم بشرط رعایت این اصل وعده می‌دهد بی شباهت به آن آزادی نیست که

مجله شوروی «عصر جدید» درباره حوادث تبریز:

علل حوادث تبریز را باید در کجا جستجو کرد؟

در روزهای اخیر در تهران، اصفهان، مشهد، کاشان، یزد، زاهدان، خرمشهر، قزوین، الیگور، بابل، جهرم، لارستان، سیدان شیراز، چالوس، قم، زوند کرمان، خرم آباد، میانه، آبادان، دزفول، رزن، کرمانشاه، نجف آباد، بندر ایلام، اهواز، نهاوند، همدان، شوش، دره شهر، استان ایلام و سیرجان کرمان تظاهرات مردم علیه رژیم انجام گرفت. این واقعات نمونه دیگری از ناخرسندی عمیق و وسیع مردم از رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک است و دعای رژیم را در باره آنکه علت این جنبش را باید در خارج جستجو کرد، رو می‌کند. در مقاله زیرین که در مجله معروف شوروی «عصر جدید» درباره جنبش مردم تبریز درج شده، بهمهیت ادعای ناروای شاه و دستگاه تبلیغاتی پاسخ داده شده است.

روزنامه «پیغام امروز» چاپ تهران در شماره ۲۸ فوریه خود مقاله ای در باره حوادث اخیر تبریز، مرکز استان آذربایجان شرقی ایران منتشر نموده است. مقاله را میشد نازیده گرفت اگر نویسنده آن زیر این عنوان که «سازمانهای کونیست و ارتجاعی دفاع از آشوبگران تبریز را پهمه گرفته‌اند، نعل وارونه زده بود. نخست به شرح وقایع میپردازیم. در روزهای ۱۸ و ۱۹ فوریه بنا بنوشته مطبوعات و خبرگزاریهای ایرانی و خارجی چندین هزار نفر از مردم تبریز، یکی از مهمترین مراکز اقتصادی و سیاسی ایران که همواره

در زندگی سیاسی کشور تأثیر بزرگی داشته است تظاهرات عظیمی برپا نمودند، پلیس و ارتش به تظاهر کنندگان حمله کردند و حتی تانک و زره پوش نیز بکار بردند. نتیجه شوم این «عملیات» بنا بر اعتراف مقامات رسمی، ۹ کشته، ۱۶۵ زخمی و صدها بازداشتی بود. ولی منابع خارجی ارقام بسیار بزرگتری ذکر کردند. مثلا رادیو لندن بنقل از منابع محلی تعداد کشتگان را بیش از صد نفر نام برد.

دنباله در صفحه ۲

قرارداد امتیازی فروش نفت به کسرسیوم باید بدون قید و شرط لغو شود

ملی شدن نفت را در تمام جهات نقض می‌کرد، بلکه خود از عقب مانده ترین امتیازهای موجود نفتی بود. طبق آن، نفت ایران در سرچاه بمالکیت بیگانه در می‌آمد و تعیین قیمت نفت با انحصارات نفتی بود. ایران در اداره امور صنعتی صنعت نفت، حمل نفت، باخراج و فروش آن، در بازار جهانی کمترین حق نداشت. کسرسیوم و شرکت‌های تابعه آن از حقوق برون مرزی، معافیت گمرکی صادرات و واردات بر خوردار بودند. دنباله در صفحه ۲

برده دار بغدادی بفلامش وعده میداد. یکی از لشکریان امیر خوارزم را که در جنگ با سپاه خلیفه اسیر شده بود بیک تاجر بغدادی بفلامی فروختند. روزی تاجر به غلام گفت: پدرم را در خواب دیدم که مرا ملائت می‌کند که چرا خیرات ندم. شنیده‌ام که ثواب آزاد کردن یک بنده از صد خیرات بیشتر است. می‌خواهم که ترا بفاتر آموزش روح پدرم آزاد کنم اما بیک شرط. غلام شادمانه پرسید: کدام شرط؟ تاجر گفت بشرط آنکه پس از آزادی خود در خدمت من بمائی و فرزندت را از خوارزم بفواهی و پیش‌بسم فرستی. غلام گفت: ترا بروج پلوت که از این آزادی درگتر باشد که خدای یاجان مرا در این عذاب بستاند و یا ترا برحمت خویش برد و از تعهد خیرات برهاند.

شرط برده دار بغدادی بمراثب آسانتر از شرطی است که شاه برای آزادی به «برده گانش» میدهد زیرا معنی واقعی شرط نظام شاهنشاهی ننگنه قبول خدمت خود او بلکه پذیرفتن بردگی تمام نسلش تا روز قیامت است.

مردم آزادی را برای این می‌خواهند که گردن خود را از زیر طوق بندگی شاه و صاحبانش و عوامانش که ایران را بروز سیاه نشانده و در میان جامعه بشری بعنوان یک کشور فاشیستی و دیکتاتوری بد نام کرده‌اند بیرون بیاورند. آزادی را در وراء این خواست اصلی معنای نیست. آزادی مشروط به بندگی ستمکاران نسلا بعد نسل چه مفهومی میتواند داشته باشد. شاه هرکس این شرط را نپذیرد، «خائن و یا غریب خورده»، «آشوبگر»، «از مرز خیانت گذشته»، اعلام کرده، خوش را مباح می‌شمرد. شاه در مصاحبه خود با رادیوی فرانسه در پاسخ علل کشتار مردم تبریز میگوید: «آشوبگران» را با صحت گل استقبال نمی‌کنند. بزم شاه دهها هزار نفر تبریزی «آشوبگرانی» هستند که از مرز خیانت، گذشته بودند و مستوجب قتل‌عام. یکی از خبرنگاران شاه در مصاحبه اخیرش با این سوال که «مرز خیانت کیاست و تشخیص آن با کیست؟» غافلگیر کرد و اعتراضی پس پر معنی از دهان او بیرون کشید: شاه در پاسخ سوال آن خبرنگار گفت: «مرز خیانت مثلا آنجاست که کسی نفت ایران را با بهی» کتبی به دیگران بدهد. واقعا هم یکی از مرزهای آشکار خیانت که اضافه با آزادی های فردی نیز رابطه مستقیم دارد از همین جا میگذرد. آیا چه کسی جز شاه پس از آن که بابل و

و توطئه امپریالیستهای امریکائی بعد از کودتای ۲۸ مرداد تمام آزادیهای فردی را سرکوب و دیکتاتوری خود را برقرار کرد نفت ایران را همیشه کمتر از بهی واقعی آن بدیگران داده و میدهد و هم اکنون نیز از منافع امپریالیستهای غرب در سازمان کشورهای صانع کننده نفت دفاع می‌نماید.

آزادیهای فردی و نفت، همیشه با یکدیگر در نبرد بوده‌اند. مردم اگر آزادی داشته باشند هرگز

دنباله در صفحه ۲

پراودا در باره حوادث ایران

پراودا در شماره اول آوریل ۱۹۷۸ خود تحت عنوان «تظاهرات و هیجانات ضد دولتی در ایران» حوادث اخیر ایران را در تهران و زاهدان و یزد و مشهد و اصفهان و قزوین و دیگر شهرها و «بازداشت تظاهر کنندگان از طرف پلیس را متعکس کرده است. رادیو مسکو نیز خبر داده است که این تظاهرات و بازداشتها کماکان ادامه دارد.

کارگران ایران، در مبارزات سیاسی و...

دخالت دولت و کارفرما از طرف کارگران انتخاب شوند. هم اکنون کارگران میگویند در برخی سندیگاهها عمال دولت و کارفرمایان را از رأس امور طرد کنند. این مبارزه ایست بحق که مسلماً باید گسترش یابد. باید جنبش اصیل سندیکائی و اتحادیهائی در ایران راه این مبارزه تحقق پذیرد. اینست آن افکار واقعی برای مبارزات مؤثر صنفی که تا امروز طبقه کارگر ایران از آن محروم است.

ولی کارگران و زحمتکشان ایران که طبقه پیشرو مولد ثروت هستند، با آن مقام اجتماعی و سوابق طولانی انقلابی، فقط مبارزات صنفی و سندیکائی بسنده نمیکند. کارگران و زحمتکشان خوب درک میکنند که بدون مبارزه سیاسی برای برانداختن رژیم ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه مبارزه صنفی و سندیکائی آنها نیز نمیتواند به هدف برسد. به علاوه طبقه کارگر که پیشرو ترین طبقه جامعه ایران است، رسالت و مأموریت تاریخی دارد که در پیشانی نبرد مقدس خلقهای ایران برای برانداختن دیکتاتوری گام بردارد. زیرا بر انداختن رژیم ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه، شرط مقدم هرگونه پیشرفت جامعه ما به پیش است. زیرا این رژیم حربه مهم غارت و استثمار و ستم از طرف ستمگران داخلی و خارجی است. در واقع نیز طبقه کارگر ایران طلایه دار آن جنبش وسیعی است که طی دو سال اخیر در کشور ما بسط یافته و می یابد. کارگران ایران با اعتراضات بزرگ و دراز مدت خود در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ سد سکوت را شکستند و راه مبارزات اجتماعی را نشان دادند. آنها تن از کارگران مبارز شهید و صدها تن زندانی شدند. طبقه کارگر ایران با این مبارزات یکبار دیگر خصوصیات یکبار جوانانه خویش را آشکار ساخت. اکنون که مسئله وحدت عمل همه مبارزان ضد دیکتاتوری در راه ایجاد یک جبهه وسیع در دستور روز قرار گرفته، شما کارگران ایران میتوانید و باید، چنانکه شایسته مقام اجتماعی و تاریخی و سوابق مبارزاتی شماست، نیروی اساسی چنین جبهه ای باشید. جبهه مشترک وسیع طبقه کارگر و دیگر متحدین او در شهر و ده جنبش ضد استبدادی مردم ایران را وارد مرحله عالی و قاطع خود خواهد ساخت. مبارزه علیه استبداد و سیاست ضد ملی رژیمهای استبدادی در کارنامه طولانی نبرد ملی طبقه پرافتخار کارگر ایران همیشه وجود داشته است. این مبارزه امروز باید بعنوان عمده ترین وظیفه سیاسی جنبش دموکراتیک مردم ایران در مرکز توجه قرار گیرد.

رژیم شاه برای جلوگیری از گسترش مبارزه ضد دیکتاتوری، مانند همیشه، بدو حربه ارباب و فربس متوسل شده است. از طرفی برای یخوت کشیدن و گلوله باران مبارزات مردم در تهران، تبریز، قم و دیگر شهرها و نشان دادن حذایلی بربریت و سبقت، میخواهد مردم بجان آمده را بسکوت و تسلیم وادارد. ولی این مبارزات، بویژه مبارزات وسیع مردم تبریز و شاعرانی که در این مبارزات علیه شاه داده شد و سنگسار مجسمه او، یخوتی نشان داد که بین شاه و مردم خرم عمیق و پرتنش بود. وجود آمده است. از طرف دیگر رژیم بایکسلسله مانورها و تظاهر به عقب نشینی میخواهد این پندار را برانگیزد که بگوید روش خود را عوض کرده است. مبارزان ضد دیکتاتوری بدون شک نه مرعوب میشوند نه مغلوب، بلکه با ایجاد وحدت در صفوف خود مبارزه را تابیراندختن استبداد و ایجاد وضعی که موافق خواست اکثریت مطلق مردم ایران باشد بسررسی ادامه خواهند داد. شرایط داخلی جامعه ماوتشیر تناسب نیروها بسود صلح و ترقی و دموکراسی و سوسیالیسم در عرصه جهان، برای پیشرفت این مبارزه دورنمای امیدبخش ایجاد میکند. شما کارگران ایران باید در این مبارزه مقدس مانند همیشه با کارخانه شرکت جویند و باینوری عظیم خود به رژیم دیکتاتوری خیانتکار و جنایتکار محمدرضا شاه خاتمه دهید. کارگران و زحمتکشان مبارز ایران!

در راه سرنگونی رژیم ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه مبارزه کنید!

با سیاست زنیانار تسلیحاتی که ثروت ملی را بر باد میدهد و بجای دبستان و کود کستان و بیمارستان در ایران کوههای اسلحه را انباشته میکنند و برای خروج مستشاران امریکائی از کشور ما مبارزه کنید!

مبارزات سیاسی و اقتصادی را با هم پیوند دهید! برای آزادی سندیکائی، برای دفاع از حقوق حقه خود در زمینه مزد و مسکن مبارزه کنید!

در راه سرنگونی رژیم ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه مبارزه کنید!

با سیاست زنیانار تسلیحاتی که ثروت ملی را بر باد میدهد و بجای دبستان و کود کستان و بیمارستان در ایران کوههای اسلحه را انباشته میکنند و برای خروج مستشاران امریکائی از کشور ما مبارزه کنید!

مبارزات سیاسی و اقتصادی را با هم پیوند دهید! برای آزادی سندیکائی، برای دفاع از حقوق حقه خود در زمینه مزد و مسکن مبارزه کنید!

قرارداد امتیازی فروش نفت

در آمد ایران از نفت بر مبنای اصل امتیازی ۵۰-۵۰ تعیین می شد، و از هر بشکه نفت حتی کمتر از یک دلار عاید ایران می گردید. قرارداد آبان ۱۳۳۳ در جهات عیدیه حقوق ایران را تقصیر نمود.

تعمیل قرارداد کنسرسیوم از همان ابتدا با مبارزه مردم ایران مواجه گردید. طی سالهای پس از کودتا این مبارزه بطور مداوم ادامه داشت و دارد. در برابر همین مبارزه بود، که کنسرسیوم ناچار گردید، چهار بار با توسل به اعتقاد قراردادهای الحاقی موقعیت متزول خود را در نفت ایران تثبیت نماید. طی سالهای ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۲ کنسرسیوم برای حفظ قرارداد تعمیلی به تیرنگی گوناگون توسل جست. با اینحال تغییر تناسب نیروها در جهان بسود مبارزات ضد امپریالیستی و مبارزات ملی کشورهای نفت خیز علیه تسلط کارتل، از اواسط دهه گذشته، بیحد ادامه عمر قراردادهای امتیازی نفت را تحت علامت سؤال قرارداد. در اوایل دهه کنونی شرایط ویژه سلسله برای لغو قرارداد کنسرسیوم و احیاء قانون ملی شدن نفت ایران بوجود آمد.

دول ملی و مترقی در کشورهای نفت خیز از این امکانات استفاده نمودند. دولتهای عراق و ونزوئلا در کشورهای عمده نفت خیز بچرخ دولتهائی پیوستند، که مانند الجزایر و لیبی به مبارزه علیه تسلط کارتل و لغو قراردادهای امتیازی نفت برخاسته بودند. دول ارتجاعی وابسته به امپریالیسم در کشورهای نفت خیز راه خیانت به نام ملی را ادامه دادند. لغو صورتی قرارداد تعمیلی کنسرسیوم و انعقاد قرارداد امتیازی فروش نفت در پنج سال پیش در ایران در چنین شرایطی صورت گرفت. شاه، که بخواهد ادعا کرده بود به «ا کراهه تن به انعقاد قرارداد کنسرسیوم داده، در نهم مرداد ۱۳۵۲ داوطلبانه قرارداد فروش نفت را امضاء نمود و بار دیگر چهره واقعی خود را نشان داد.

مردم ایران از همان ابتدا متوجه حیا و فربس شاه بودند. افکار عمومی قرارداد فروش نفت را، که طبق آن عمده ذخایر نفت ایران در منطقه قبلی امتیاز برای مدت ۲۰ سال به صورت نفت خام به اعضا کارتل پیش فروش می شد، «قراردادی امتیازی تلقی نمود و آن را از درجه اعتبار ساقط دانست. بجای یادآور شویم، که از نظر حق تعیین قیمت و سهم درآمد نیز قرارداد فروش نفت بر همان مبنای قرارداد تعمیلی کنسرسیوم تکیه داشت. طبق قرارداد فروش نیز نفت ایران در سرچاه بمالکیت کنسرسیوم در می آمد و سهم ایران از درآمد نفت طبق اصل مردود ۵۰-۵۰ با محاسبات پیچیده مالیات بر درآمد و بهره مالکانه و افزایش قیمت تعدیلی محاسبه می گردد. برخی از جهات امتیازی قرارداد فروش نظیر حق تعیین قیمت (که اکنون در اختیار اعضا اوپک است) در نتیجه، پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی، از اعتبار افتاده و نه چنانکه شاه مدعی است قرارداد فروش نفت، که شاه اعدادارد طبق آن نفت ایران به معنی «واقعی» ملی است و حق حاکمیت ایران بر نفت «تمام» کماله اعمال میشود، نسخه بدل قرارداد باطل کنسرسیوم است. تنها تفاوت قرارداد فروش با قرارداد کنسرسیوم آنست که در آن وعده داده شده پس از پنج سال امور بالايشگاه و فروش فرآوردهای نفتی آن تماماً در اختیار ایران قرار خواهد گرفت و شرکت خاص خدمات نفت، که هنگام انعقاد قرارداد جانشین شرکتی عامل کنسرسیوم گردید، در همین مدت تمامی اداره صنعت نفت را به شرکت ملی نفت ایران واگذار خواهد کرد. بسیار جالب است که در مذاکرات کنونی صحبت ادامه فعالیت «شرکت خاص خدمات نفت» و ادامه فروش فرآورده های نفتی به کنسرسیوم در میان است.

هدف اصلی انعقاد قرار داد فروش نفت تثبیت عمال نقابدار سواک را طرد نمائید و سندیکا های واقعی خود را بوجود آورید.

از حربه استثمار و ظواهرات سیاسی بشکل مؤثری استفاده نمائید!

برای آزادی زندانیان سیاسی و از آنجمله کارگران زندانی و کمک بافادهای آنها مبارزه نمائید!

پروچم مبارزه را سر بلند نگاه دارید و بگرد حزب توده ایران حلقه زندی!

زنده باد طبقه کارگر ایران!

فرخنده باد جشن اول ماه مه، روز همبستگی و نمایش نیروی پرشکوه کارگران جهان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

فروردین ۱۳۵۷

موقعیت متزول کنسرسیوم و ادامه تسلط کارتل بر نفت ایران برای مدت ۲۰ سال دیگر، یعنی تا پایان سال ۱۹۹۳، مدت اصلی و اولیه قرار داد کنسرسیوم ۲۵ سال تعیین شده بود که در سال جاری پایان می پذیرفت. توطئه تمویض قرار داد کنسرسیوم با قرار داد فروش نفت در پنج سال پیش از آبروی کارکردانی سرمداران کنسرسیوم و شاه صورت گرفت که از لغو قرارداد در پایان مدت اصلی امتیاز جلوگیری بعمل آید.

سال ۱۹۹۳ از نظر قرارداد های تعمیلی امتیازی نفت به ایران سال خاصی است. این سال، سال پایان امتیازی است که رضا شاه در ۱۹۳۳ به شرکت غاصب انگلیسی نفت داد و سال پایان قراردادی است که محمد رضا شاه در ۱۳۳۳ با کنسرسیوم نماینده کارتل بین المللی نفت منعقد نمود. طولانی ساختن عمر قرارداد های امتیازی نفت تا سال ۱۹۹۳، یعنی تا زمانی که آخرین قطرات ذخایر نفت ایران به تملک امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفت در نیامده، امر تصادفی نیست. این از مأموریت های ویژه وعده ترین مأموریت سلسله پهلوی است.

با وجود تلاشهایی که از جانب کارتل و رژیم حاکم در ایران برای تثبیت و ادامه عمر قرار داد های امتیازی نفت بعمل می آید، تشدید مبارزات مردم ایران در داخل و تغییر بیشتر تناسب نیروها در صحنه جهانی بسود آزادی و استقلال، در جهت عکس تمهیدات شاه در برابر امپریالیسم ارتجاعی گذارد. به همین جهت هنوز پنج سال از عمر قرار داد فروش نفت گذشته، این قرارداد امتیازی چنان رسوا و بی اعتبار گردیده که ضرورت تجدید نظر و تطبیق آن با شرایط جدید از جانب خود عاقدین قرار داد مطرح شده است. قرارداد فروش نفت به تازگی جدی چار آمده و مواضع کارتل چنانست، که میتوان دست آن را از غارت نفت ایران کوتاه کرد. لیکن، همانطوری که طبیعت امپریالیسم ادامه غارتگری است، رژیمهای دست نشانده نیز جز پاسداری این غارت و وظیفه ای برای خود نمی شناسند.

لغو بدون قید و شرط قرار داد فروش نفت به کنسرسیوم خواست مردم ایران است. امروز ایران واجد همه گونه توانائی برای اداره صنعت نفت خویش است. در این شرایط تنها اجرای تمام و کمال قانون ملی شدن نفت است، که می تواند منافع واقعی ایران را تأمین نماید. انعقاد هر نوع قرارداد امتیازی و تحت هر عنوانی، ولو تنها در زمینه فروش انحصاری نفت ایران صورت گیرد، (مذاکرات تجدید نظر قرارداد فروش تنها محدود به این خیانت نیست) معایر و مقایس با اصل ملی شدن نفت است. این اصل حاکمیت، که اداره بهره برداری از صنعت نفت ایران در تمام مراحل آن اهم از اکتشاف و استخراج، تصفیه و فروش منحصر از حقوق دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران است و تحت هیچ عنوانی نمی تواند به خارجی واگذار شود. رژیم شاه، رژیم وابسته به امپریالیسم و کارتل است. این رژیم قادر نیست به آرزوی مردم ایران در اعمال حق حاکمیت ملی در نفت، تعلق ذخایر و اداره صنعت نفت بر مبنای اصل ملی شدن، تعلق ببندد. انجام این آرزو در گرو ایجاد دولتی است که باید بر زمینه مبارزات و تحولات ملی و دموکراتیک روی کار آید. در مرحله کنونی همه نیروها باید برای اعتلاء پیش از پیش مبارزه بر ضد دیکتاتوری، که شرط عمده هر گونه حرکتی به پیش است، تجهیز گردد. م. جهان

علل حوادث تبریز را...

میزان خسارت مالی - هر چند هنوز مقامات دولتی رقم دقیق آنرا نگفته اند - زیاد بوده است. بسیاری از بناهای دولتی، بانکها و همچنین سینماها و مهمانخانه های خصوصی آسیب دیده اند. اغلب سینماهای آسیب دیده سینماهایی بودند که در آنها طرز زندگی با اصطلاح غربی تبلیغ و یا فیلمهای سکسی نشان داده میشد. اینست واقعات. بنا بر این حوادث تبریز یک تظاهرات بزرگ بوده است که در آن چندین هزار نفر شرکت داشتند نه مثنی «اشوبگر» - معلوم است که این حوادث زمینه داشته و از اوضاع موجود در ایران و شرایط زندگی مردم سرچشمه میگرفته است. نویسنده مقاله «پیغام امروز» زحمت تجزیه و تحلیل این حوادث را بخود راه نداده و باین دروغ پردازی اکتفا کرده است که این حوادث در خارج از ایران طرح ریزی و با یول دیگران اجرا شده است و برای آنکه بگفته خوردنگ اعتبار بدهد انگشتش را روی عوامل ارتجاع و کمونیسم بین المللی وابسته به «جنبش آزادی ایران» و «کمیته فرانسوی دفاع از حقوق بشر» گذاشته است که مقرر دوی این سازمانها در سرزمین دور دست فرانسه است. بنا بر این بقیه «پیغام امروز» علل حوادث تبریز را باید در خارج از ایران جستجو نمود.

نیروهای دموکراتیک ایتالیا سیاست اختناق رژیم شاه را محکوم کردند

روز ۲۵ ژانویه ۷۸ در کلوب حزب سوسیالیست ایتالیا در رم، جلسه ای برای بررسی اوضاع ایران برگزار شد که در آن برخی از رهبران حزب سوسیالیست ایتالیا و نمایندگان احزاب، سندیکاها و سازمانهای دموکراتیک ایتالیا، از جمله حزب کمونیست ایتالیا، و همچنین نمایندگان برخی از سازمانهای دموکراتیک ایرانی، از جمله سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، شرکت داشتند.

همه سخنرانان سیاست، تورو و اختناق رژیم شاه را افشا و محکوم کردند. جریان این جلسه بشکل وسیعی در مطبوعات ایتالیا انعکاس یافت. اهمیت این جلسه بویژه در این بود که برای نخستین بار اشکار تشکیل چنین جلسه ای برای بررسی اوضاع ایران از جانب خود نیروهای دموکراتیک ایتالیا بود.

شاه وعده آزادی میدهد!

نمیزگذارند ثروتهای کشورشان را دیگران به یغما ببرند! حمایت امپریالیستهای امریکائی از شاه ایران و ملک غرستان برای آنست که آزادی را از مردم بسود آنها بگیرند. زیرا تنها باور است که دزد میتواند جیب رهگذر را خالی کند و اگر دزد رهگذر را در دامن و ندان پول خود آزاد بگذارد هر گز موفق به گرفتن پول او نخواهد شد. نه تنها دزدان خارجی بلکه همین دلیل دزدان داخلی نیز که میخواهند از زحمتکش بهره کشی کنند، بمردم ایران آزادی نخواهند داد. مردم نیز فریب حرفهای شاه و مأموران او را نمیخورند و اگر خورده بودند هر گز برای گرفتن آزادی با تلافی و زره پوش رو برو نمیشدند.

هفتاد و سه سال پیش، در آستانه انقلاب سال ۱۹۰۵ روسیه، هنگامیکه در آن کشور چون ایران سلطنت مظفر بقای دولت نامیده میشد، انقلابیون روس خطاب به کارگران چنین نوشته بودند: «آزادی را با نظر خون میتوان خرید، آزادی را در نبردهای سخت میتوان بدست آورد. از تراز به خواهشی و حتی چه خواستی، نباید در برابر دشمن سوگند خورده خود بزانو درآیم بلکه باید بساط استبداد او را بر اندازیم. آزادی مردم تنها بدست خود آنان انجام میگردد. از پادشاهان نباید انتظار آزادی داشت.

در خستی این سخن تردینی وجود ندارد. وعده آزادی شاه، قریبی بیش نیست. تنها مبارزه مشکل توده های مردم است که میتواند آزادی بسرقت رفته را بایران باز گرداند. تنها همکاری تمام نیروهای تری خواه است که میتواند کشور را از چنگال دیکتاتوری نجات دهد و تنگ استبداد را از دامن ایران بزداید. خلقهای ایران با تار خون بهترین فرزندان خود میخورند تا دموکراسی واقعی را در میان خوش برقرار سازند و استقلال واقعی را بکف آورده مقام شایسته خود را در میان خلقهای متعبد جهان احراز کنند و بی شک احراز خواهند کرد.

کتابهای تازه

تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی، جزوه اول در قطع بزرگ.

سرمایه جلد دوم، کتاب دوم، در قطع بزرگ.

لنین در باره حزب پرولتری، طراز نوین، در قطع جیبی.

توجه

در شماره ۱۹۹ «مردم» صفحه ۱ ستون دوم سطر دوم بجای ۱۹ بهمن خوانده شود ۶ بهمن.

کار برد مترادف و تخیله گرانه اصطلاحات سیاسی «ارتجاع» و «کمونیسم» را که از لحاظ معنی در قطب متضاد یکدیگر قرار دارند بوجدان نویسنده مقاله واگذار میکنیم و میخواهیم با بگوئیم که نباید در هزاران کیلومتر دورتر از ایران بدنبال علل این حوادث فاجعه انگیز تبریز گشت، علل این حوادث را باید بر همان پیرامون افکار «پیغام امروز» در شرایط زندگی مردم ایران جستجو نمود. ن. نستروف